

درس یازدهم: رشد و پیشرفت اقتصادی اقتصاد دهم – (۱۴۰۰-۹۹)

دیپ: مطهره خاکسار
استان همدان – شهرستان ملایر



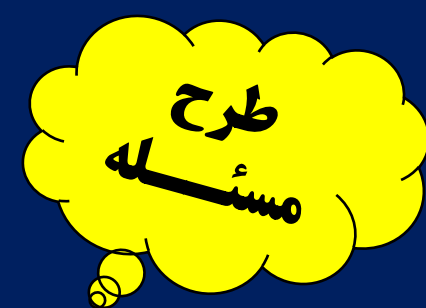


نقشه
راه

در این درس می خواهیم درباره رشد و پیشرفت اقتصادی گفت و گو کنیم. در پایان این درس خواهیم توانست:

- * نرخ رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) را محاسبه کنیم.
- * وضعیت توزیع درآمد افراد یک جامعه را بر اساس سهم دهک ها محاسبه کنیم.
- * درباره شاخص توسعه انسانی توضیح دهیم.





شما ممکن است رشد خود را در افزایش سطح آگاهی و تحصیلات خود بدانید و دوست شما رشد خودش را در ایجاد و گسترش یک کسب و کار در آمدزای می بیند. در اقتصاد معمولاً کشورهایی که از **قدرت تولیدی** بالاتر و در آمد بیشتری برخوردار باشند، پیشرفته تر می دانند

افزایش قدرت تولید کشور در گروه افزایش قدرت تولید شرکت های تولیدی و سازوکارهای مناسب برای ایجاد کسب و کار و دادوستدهای مناسب است.





کشورهای پیشرفته دارای چند ویژگی هستند:

- * معمولاً در آمد و تولید بالایی دارند و درآمدها به صورت عادلانه تری توزیع شده است
- * تعداد بیکاران این کشورها نیز کم است.
- * در برابر شوکهای اقتصادی، قدرت مقاومت دارد.
- * از ثبات نسبی قیمتها و بازارها برخوردار است.
- * می تواند در شرایط بحرانی نیازهای اولیه خودش را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کند.
- * معمولاً مردم این کشورها از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند.
- * روحیه اعتماد و همبستگی میان مردم این کشورها برای تکاپو و تلاش اقتصادی، برجسته است.
- * در سطح منطقه و جهان تأثیر گذارند.



در یک کلمه، کشورهای پیشرفته، کشورهای قدرتمندی محسوب می شوند و بقیه روی آنها حساب باز می کنند.

نکته: رشد و پیشرفت ← نقطه مقابل رکود است.

مولفه های
پیشرفت



شاخص توسعه انسانی HDI



۱- رشد اقتصادی

۲- شاخص های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد و امید به زندگی)



۳- شاخص توزیع عادلانه در آمد

رشد اقتصادی



افزایش میزان واقعی تولید در دوره ای معین نسبت به دوره ی قبل

رشد

* رشد صرفاً به معنای **افزایش تولید** است و یک **مفهوم کمی** می باشد..
مصادیق رشد عبارتند از:

- ۱- افزایش تولید به دلیل سرمایه گذاری بیشتر
- ۲- افزایش تولید به دلیل به کارگیری روش های بهتر و فناوری مناسب
- ۳- افزایش تولید به دلیل افزایش سطح زیر کشت
- ۴- افزایش تولید به دلیل تاسیس کارخانه های جدید
- ۵- افزایش تولید با استفاده بهتر از منابع و امکانات



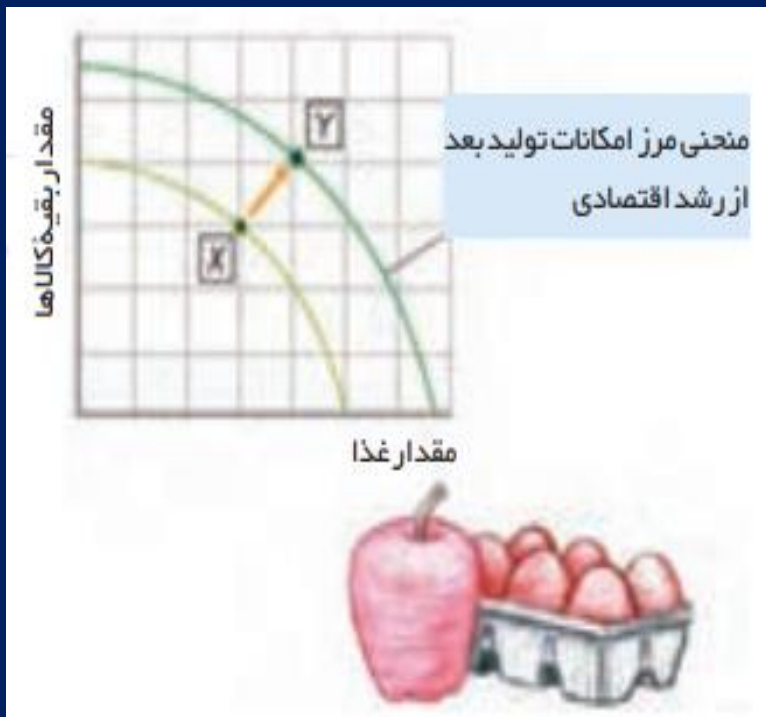
بررسی رشد با منحنی مرز امکانات تولید



در نمودار روبرو سمت چپ محور افقی مقدار غذای تولید شده در کشور و محور عمودی همه مقادیر از کالاهای دیگر (کالاها و خدمات به جز غذا را که در کشور تولید شده است) را نشان می دهد. تصمیم گیری بین یک واحد «غذا» و یک واحد «از کالاهای دیگر» واقعا دشوار است؛ اما به این فکر کنید که واحد «غذا» همه انواع غذاها و واحد «کالاهای دیگر» همه انواع کالاها و خدمات را در بر می گیرد.

فرض کنید کشوری ابتدا نقطه X را انتخاب می کند. روشن است که مردم مقدار بیشتری از غذا و سایر کالاها می خواهند تا **سلامتی** و **رفاه** بیشتری داشته باشند.





اگر تولیدکنندگان کشور مفروض با صرفه جویی، سرمایه

گذاری بیشتری انجام دهند، باگذشت زمان:

* ظرفیت تولیدی آنها توسعه می یابد

* مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می شود.

نمودار روبرو مرز امکانات جدید را نشان می دهد که انتقال

آن نشان دهنده امکان تولید بیشتر در کشور است.

رشد اقتصادی به کشور امکان می دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتر و بیشتری را

تولید و مصرف کند.

رشد
اقتصادی

رشد اقتصادی یک هدف مشترک است،

زیرا کشور را قادر می سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته های شهروندان خود بردارد.



وقتی که اقتصاد رشد می کند: کشور قادر است از هر چیزی مقدار بیشتری تولید کند. با این حال هر کشور برای اینکه از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد، باید چیزهایی را در زمان حال در اقتصاد فدا کند

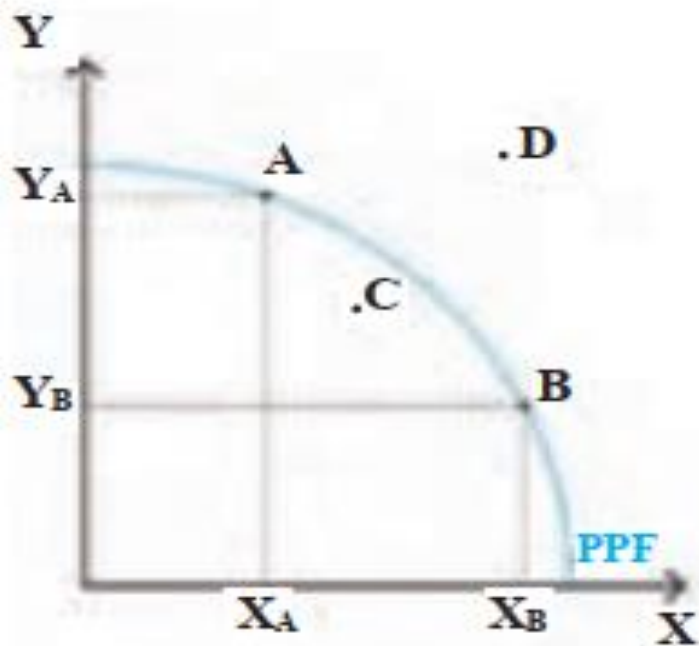
باید منابعی را که می توانست برای ساختن کالاهای مصرفی در زمان حال استفاده شود، برای ساختن انواع سرمایه ها و توسعه روشه ای تولید بهتر برای آینده صرف کند. همانطور که شما هم گاهی از بعضی خریدهای لذت بخش صرف نظر می کنید تا پولتان را برای انتخاب های دیگری در آینده که زندگی شما را بهتر میکند، پس انداز کنید.

فعالیت فردی در کلاس

در درس چهارم با مفهوم کارایی آشنا شدیم و در این درس درباره رشد سخن گفتیم. تفاوت بین دستیابی به کارایی و رشد اقتصادی را با کمک نمودار توضیح دهید.

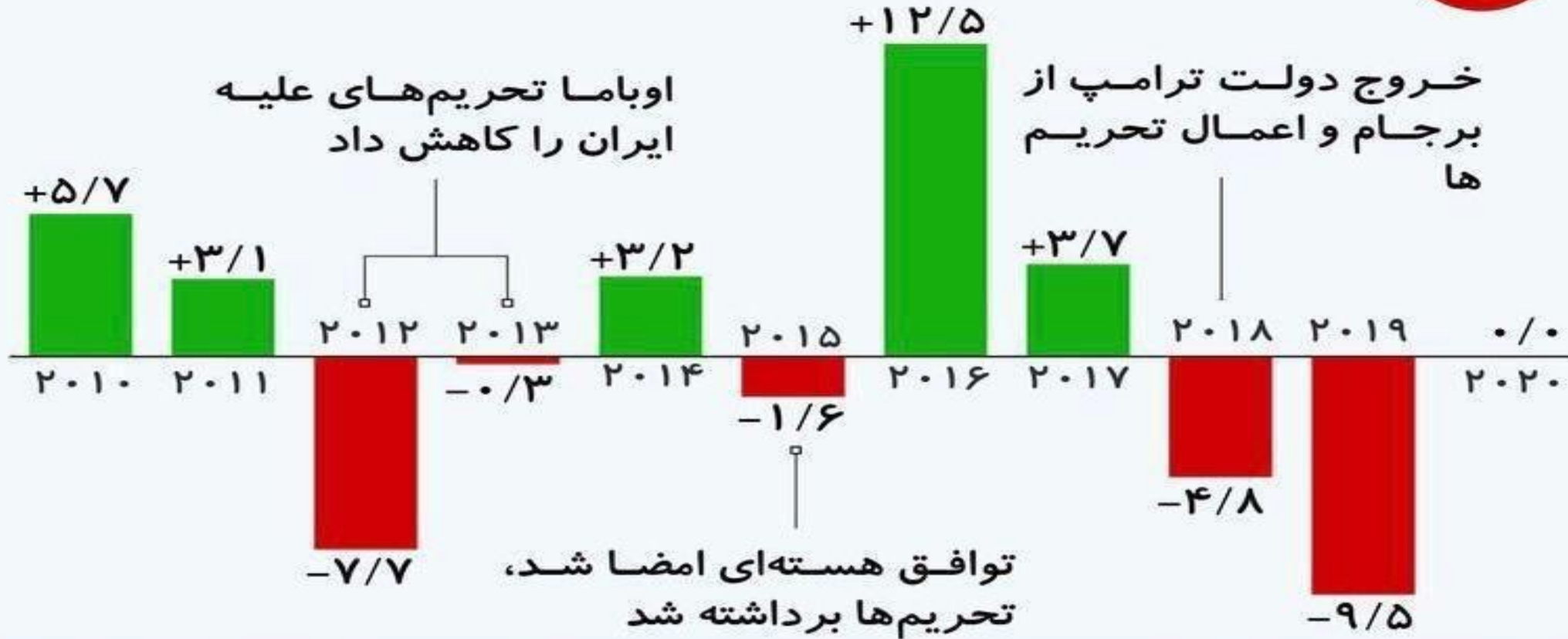
در منحنی مرز امکانات تولید درباره مصلحت و عدالت صحبت نمی کنیم. تمام نقاط روی منحنی امکانات تولید، بیانگر وضعیت کارآمد تولید است و فقط درباره کارایی صحبت می کند.

رشد اقتصادی با کمک منابع فیزیکی بیشتر و یا به وسیله بالا رفتن کارایی منابع موجود و با ترکیب آن دو به دست می آید. نقاط A و B نقاط کارآمد را منعکس می کنند. نقطه C نقطه زیر منحنی یعنی کارایی کمتر نقطه D انعکاس رشد اقتصادی به صورت انتقال منحنی مرز امکانات تولید به سمت راست است. انتقال منحنی به معنی افزایش تولید است.





درصد رشد اقتصادی ایران

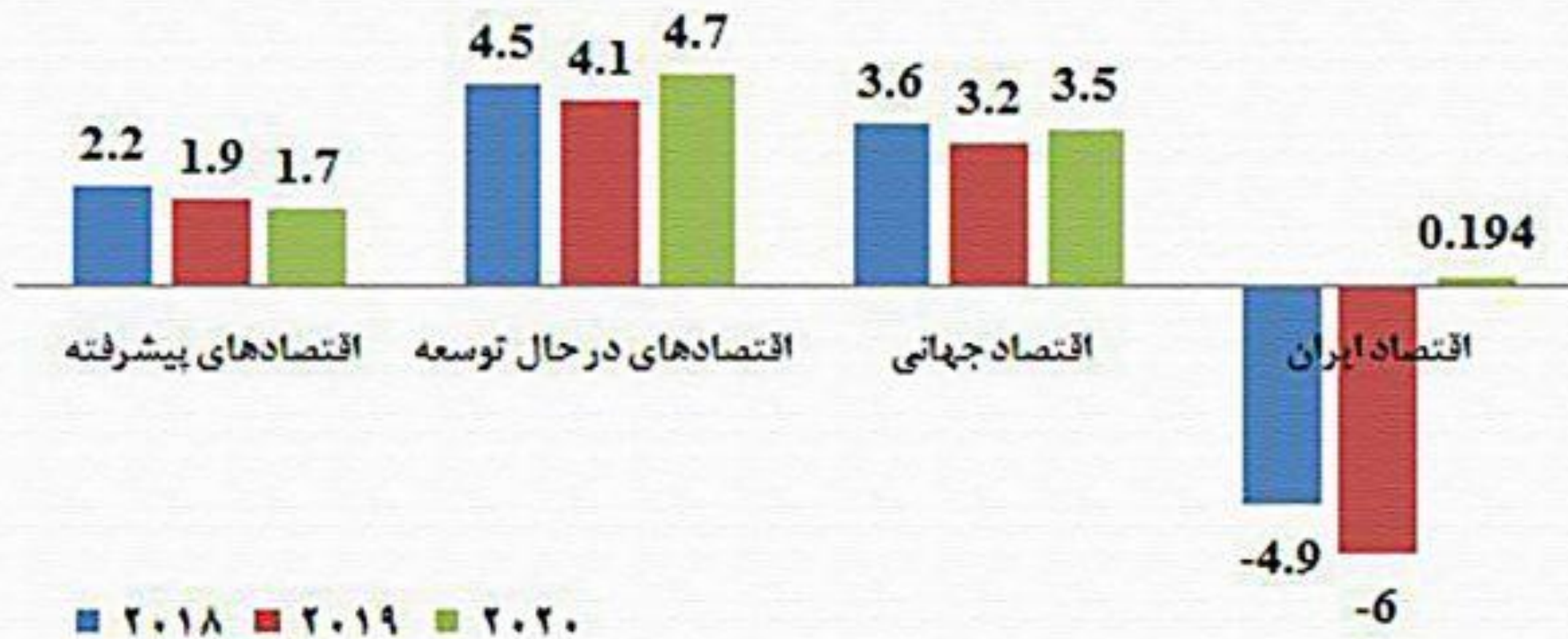


اقتصاد ایران در ۱۰ سال اخیر

در اینفوگراف درصد رشد اقتصادی ایران در ۱۰ سال اخیر که تحت تاثیر تحریم‌ها قرار گرفته است مشاهده می شود. اخیرا بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۰، صفر درصد خواهد بود.

مقایسه رشد اقتصادی پیش بینی شده برای ایران و اقتصادهای دنیا تا سال ۲۰۲۰

منبع: صندوق بین المللی پول



تولید ناخالص داخلی



چگونه رشد اقتصادی را اندازه گیری کنیم؟ تولید (درآمد) ناخالص داخلی GDP

گفتیم، رشد به معنای افزایش تولید است. بنابراین اقتصاددانان برای اندازه گیری رشد، به میزان رشد تولیدات یک کشور در طول سال می نگرند.

تولید ناخالص داخلی GDP ← یک کشور ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.
نکته: با فرض اینکه هر تولید داخلی، درآمدي را برای تولیدکنندگان آن ایجاد کرده است، می توان درآمد داخلی را نیز معادل تولید داخلی دانست.

درآمد داخلی ← مجموع درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می آید. با تقسیم درآمد داخلی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می آید.

برای فهم بهتر تولید داخلی، بر پنج کلید واژه مهم این تعریف تمرکز میکنیم:
«ارزش پولی»، «همه کالاها و خدمات»، «نهایی»، «درون مرزهای کشور» و «در یک سال».

ارزش پولی: برای اندازه گیری تولید کشور، نیاز به یک واحد مشترک داریم که بتوانیم هر چیزی را که تولید شده است، اندازه گیری کنیم. اگر از هر واحد اندازه گیری مثل کیلوگرم استفاده کنیم؛ شاید نتیجه مفید نباشد؛ در عوض وقتی همه را به ارزش پولی که از بازار به دست آمده برگردانیم و آنها را جمع کنیم، منطقی تر می شود. در این صورت صرف نظر از ابعاد و اندازه و وزن، هر کالا با ارزشی که در بازار داشته در محاسبه مقدار تولید لحاظ خواهد شد.

کالا و خدمات: تولید شامل تولید کالاهایی مانند توپ و لبنیات و خدماتی مانند خدمات لوله کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی است و باید در محاسبه ما خدمات هم لحاظ شود.

تولید نهایی: برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی را در نظر میگیریم، نه محصولات واسطه ای را؛ چراکه کالاها و خدمات واسطه ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده اند و اگر آنها را هم جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد میشویم.

داخل مرزهای یک کشور: تولید ناخالص داخلی، تولیداتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می شود، اندازه می گیرد؛ صرف نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است. از اینرو، تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکتها و افرادی که در ایران فعالیت می کنند، آنها را تولید کرده اند؛ حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی ها باشد.

در یک سال: تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی شود؛ یعنی چیزهایی که در یک سال ساخته میشود و در سال بعد فروخته می شود



مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شوند.

به دلیل دشواری های محاسباتی برخی از اقلام تولیدی در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند:
اول: کار بدون دستمزد؛ مانند کارهایی که در خانه انجام می گیرد یا خدماتی که در خیریه ها به صورت داوطلبانه ارائه می شود و همچنین خودمصرفی کشاورزان که پولی برای آنها رد و بدل نمی گردد، اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند.

دوم: خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در محاسبات لحاظ نمی شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده اند، به حساب آمده اند.

سوم: تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت ها تلقی می شود.



تولید خالص و ناخالص!

شاید برای شما این پرسش به وجود آمده باشد که واژه ناخالص در عبارت تولید ناخالص داخلی، چیست و تفاوتش با خالص در کجاست؟
در این باره تحقیق کنید.



برای پاسخ به این سؤال باید مفهوم استهلاك را بشناسیم. بخشی از سرمایه های هر کشور از قبیل ماشین آلات، ساختمان ها، راه ها و...، که در فعالیت های تولیدی مورد استفاده قرار می گیرد، به مرور زمان فرسوده می شود و از بین می رود؛ بنابراین، باید بخشی از تولیدات کشور را صرف جبران این فرسودگی، یعنی تعمیر یا جایگزینی آنها کنیم، به بیان دیگر از کل تولید جامعه در طول یک سال باید قسمتی را به هزینه های جایگزینی سرمایه های فرسوده شده اختصاص دهیم
بدین ترتیب، اگر کل تولیدات جامعه را اندازه گیری کرده باشیم، آن را «تولید ناخالص» می نامیم؛ اما اگر هزینه های استهلاك را از تولیدات ناخالص کسر کنیم، آن را «تولید خالص» می نامیم؛
به عبارت دیگر: ← هزینه استهلاك — تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی

مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان است. اما چون تولید ناخالص داخلی به واحد پولی اندازه گیری می شود، با یک مشکل مواجه هستیم: قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند به طور مداوم در حال تغییر است. برای مثال، فرض کنید یک میلیون خودرو در ایران در سال جاری تولید شود و میانگین قیمت یک خودرو ۵۰ میلیون تومان باشد. مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری عبارت است از:

پس : $1 \text{ میلیون} \times 50 \text{ میلیون تومان} = 50 \text{ هزار میلیارد تومان}$

حال اگر سال بعد قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون افزایش یابد، بر آورد ۱۰ هزار میلیارد تومانی برای تغییر تولید نادرست است؛ چرا که در واقع، همان یک میلیون خودرو تولید شده است و تنها قیمت ها تغییر کرده است! اقتصاددانان برای حل این مشکل راه حلی دارند؛ قیمت های محاسباتی باید در سالی که به آن سال پایه گفته می شود، ثابت فرض شوند.

تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی

برای محاسبه **تولید ناخالص داخلی اسمی**، مجموع ارزش کالاهای تولید شده کشور را در یک سال محاسبه می کنیم. همچنین اگر بخواهیم بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، می توانیم از رابطه زیر استفاده کنیم:

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times 100$$



مثال

تولید ناخالص داخلی را برای اقتصادی با دو کالا و قیمت های زیر به صورت اسمی و واقعی محاسبه کنید:

سال	پیتزا		شکلات	
	قیمت (P)	مقدار (Q)	قیمت (P)	مقدار (Q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

برای محاسبه **تولید ناخالص داخلی با قیمت های اسمی** میزان تولید هر کالا را در قیمت های کالا در همان سال ضرب می کنیم و ارزش تولید کالاها را باهم جمع می کنیم و با استفاده از فرمول نرخ رشد را محاسبه می کنیم:

$$۶,۰۰۰,۰۰۰ \text{ تومان} = ۱۰۰۰ \times ۲۰۰۰ + ۴۰۰ \times ۱۰,۰۰۰$$

سال ۱۳۹۵

$$۸,۲۵۰,۰۰۰ \text{ تومان} = ۱۱۰۰ \times ۲۵۰۰ + ۵۰۰ \times ۱۱,۰۰۰$$

سال ۱۳۹۶

$$۱۰,۸۰۰,۰۰۰ \text{ تومان} = ۱۲۰۰ \times ۳۰۰۰ + ۶۰۰ \times ۱۲,۰۰۰$$

سال ۱۳۹۷

$$\frac{8250000 - 6000000}{6000000} \times 100 = 37.5\%$$

$$\frac{10800000 - 8250000}{8250000} \times 100 = 30.9\%$$

مثال

تولید ناخالص داخلی با قیمت واقعی

برای محاسبه **تولید ناخالص داخلی با قیمت های واقعی** میزان تولید هر کالا را در قیمت های سال پایه (سال ۹۵) ضرب می کنیم و ارزش تولید کالاها را باهم جمع می کنیم حال با استفاده از فرمول نرخ رشد را محاسبه می کنیم و آنها را باهم مقایسه می کنیم. همانطور که مشاهده می کنیم نرخ های رشد با در نظر گرفتن قیمت های سال پایه کمتر می شود که این نشان دهنده افزایش تولید واقعی کالاهاست و اثر افزایش قیمت ها از بین رفته است.

سال	پیتزا		شکلات	
	قیمت (P)	مقدار (Q)	قیمت (P)	مقدار (Q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

۶,۰۰۰,۰۰۰ تومان = ۱۰۰۰ × ۲۰۰۰ + ۴۰۰ × ۱۰,۰۰۰ ← سال ۱۳۹۵

۷,۲۰۰,۰۰۰ تومان = ۱۱۰۰ × ۲۰۰۰ + ۵۰۰ × ۱۰,۰۰۰ ← سال ۱۳۹۶

۸,۴۰۰,۰۰۰ تومان = ۱۲۰۰ × ۲۰۰۰ + ۶۰۰ × ۱۰,۰۰۰ ← سال ۱۳۹۷

سال ۱۳۹۵

سال ۱۳۹۶

سال ۱۳۹۷

$$\frac{7200000 - 6000000}{6000000} \times 100 = 20\%$$

$$\frac{8400000 - 7200000}{7200000} \times 100 = 16.7\%$$



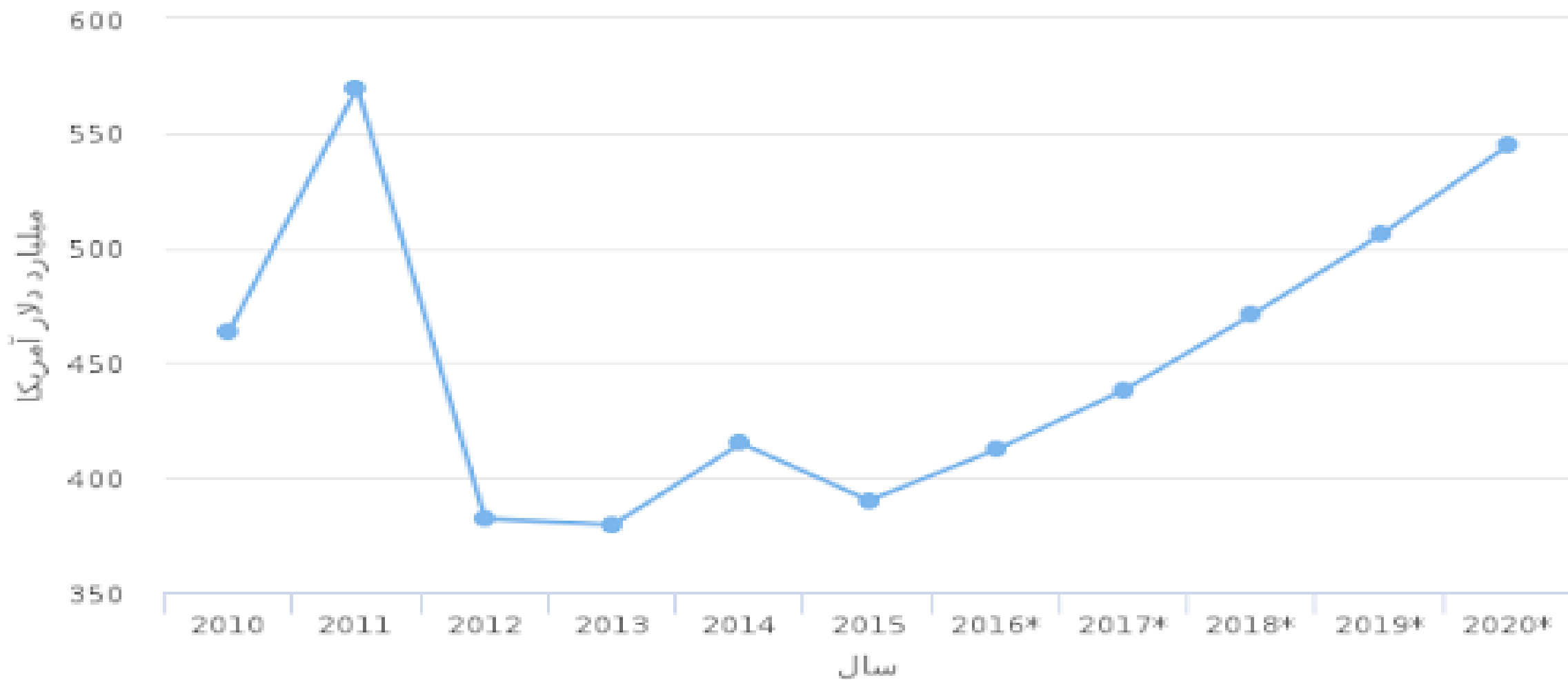
معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نشان دادن **رشد اقتصادی کشورها** استفاده می شود. نمودار زیر تولید ناخالص داخلی کشور ما را از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ نشان می دهد.



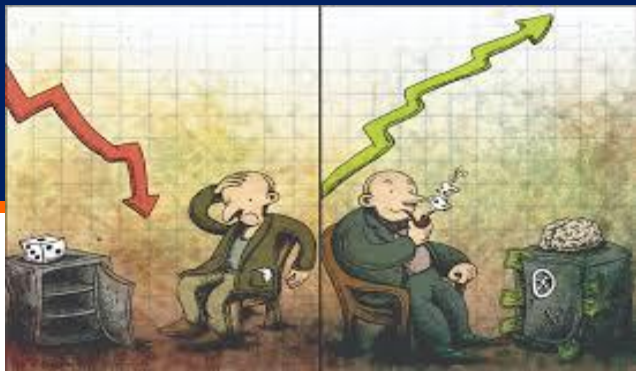
تولید ناخالص داخلی ایران از سال 2010 لغایت 2020



منبع: صندوق بین‌المللی پول



شاخص های دیگر اندازه گیری پیشرفت اقتصادی



اقتصاددانان به ما می گویند که شاخص های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی نمی تواند نشان دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد.

پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی آن، یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی نیست؛ بلکه ابعاد دیگری نیز دارد.

فرض کنید کشوری از لحاظ میزان در آمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی دارد. این به معنای آن است که کشور در زمینه **رشد ثروت**، پیشرفت خوبی داشته است. اما آیا می توان نتیجه گرفت که این کشور در توزیع ثروت تولید شده در میان مردم نیز پیشرفته است؟

اقتصاددانان معمولاً در این مورد از مثال کیک استفاده میکنند. آیا بزرگتر شدن یک کیک، به معنای آن است که سهم افراد مختلف از آن کیک عادلانه است؟

بسیاری از کشورهایی که دارای رشد در آمد بالایی هستند، نظیر چین و آمریکا، گرفتار نابرابری در آمدی اند؛ بدین معنی که بخش بزرگی از ثروت تولید شده، تنها به گروه های محدودی از جامعه تعلق دارد و اکثریت جامعه از در آمد کمتری برخوردارند. برای نشان دادن وضعیت نابرابری در اقتصاد از شاخصهای گوناگونی استفاده میشود که ما به یکی از آنها اشاره می کنیم.

شاخص
دهک‌ها

یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع در آمد

مورد استفاده: در برخی گزارش‌های اقتصادی و به منظور نشان دادن پیشرفت‌هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است

روش محاسبه:

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

سهم دهک اول	۳ درصد
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷ درصد
سهم دهک ششم	۸ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۶ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

منبع: مرکز آمار ایران

۱- مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند.

۲- در طبقه بندی این ده گروه، سطح درآمد از کمترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، گروه اول، که ده درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کمترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر بیشترین درصد درآمد ملی را دارند. آمارهای مربوط به سهم این دهکها در جامعه، چگونگی توزیع درآمد را نشان می‌دهد.

جدول روبه رو بیانگر چگونگی توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱ است.

فعالیت فردی در کلاس-صفحه ۱۲۴

در کشوری با ده میلیون نفر جمعیت، درآمد ملی معادل ۵۰،۰۰۰ میلیارد ریال است. اگر فرض کنیم که توزیع درآمد در این کشور دقیقاً مطابق با درصدهای مشخص شده در جدول صفحه قبل است، سهم هر دهک از درآمد ملی را تعیین کنید:

محاسبه: سهم هر دهک از درآمد ملی: درآمد ملی × سهم هر دهک

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

سهم دهک اول	۳ درصد	→	میلیارد ریال $۱۵,۰۰۰ = ۳\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک دوم	۴ درصد	→	میلیارد ریال $۲۰,۰۰۰ = ۴\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک سوم	۵ درصد	→	میلیارد ریال $۲۵,۰۰۰ = ۵\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک چهارم	۶ درصد	→	میلیارد ریال $۳۰,۰۰۰ = ۶\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک پنجم	۷ درصد	→	میلیارد ریال $۳۵,۰۰۰ = ۷\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک ششم	۸ درصد	→	میلیارد ریال $۴۰,۰۰۰ = ۸\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد	→	میلیارد ریال $۵۰,۰۰۰ = ۱۰\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد	→	میلیارد ریال $۶۰,۰۰۰ = ۱۲\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک نهم	۱۶ درصد	→	میلیارد ریال $۹۰,۰۰۰ = ۱۶\% \times ۵۰,۰۰۰$
سهم دهک دهم	۲۹ درصد	→	میلیارد ریال $۱۴,۵۰۰ = ۲۹\% \times ۵۰,۰۰۰$
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی		

وضعیت توزیع در آمد

با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می آید که برای مقایسه وضعیت توزیع در آمد به کار می رود:

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \text{شاخص دهک ها}$$

هرچه این نسبت بیشتر باشد، توزیع در آمد در آن جامعه نامناسب تر است.

$$\frac{29}{3} = 9/66 \rightarrow \text{شاخص دهک ها}$$

در جدول صفحه قبل سهم دهک دهم از در آمد ملی حدود ده برابر سهم دهک اول است.

نکته گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک ها، قابل ثبت نیست. به همین دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف در آمدی، اختلاف هزینه ای را محاسبه می کنند. در این حالت **هزینه خانوار** نماینده **در آمد** آن است.



حل یک تست از مبحث شاخص دهک ها

جدول وضعیت توزیع درآمد در کشور A مربوط به سال ۱۹۸۸ میلادی	
؟	سهم دهک اول
۵ درصد	سهم دهک دوم
۶ درصد	سهم دهک سوم
۷ درصد	سهم دهک چهارم
؟	سهم دهک پنجم
۹ درصد	سهم دهک ششم
۱۰/۵ درصد	سهم دهک هفتم
۱۲/۵ درصد	سهم دهک هشتم
؟	سهم دهک نهم
؟	سهم دهک دهم
۱۰۰ درصد درآمد ملی کشور A	۱۰۰ درصد جمعیت کشور A

❖ اطلاعات جدول زیر، بیانگر وضعیت توزیع درآمد در کشور A مربوط به سال ۱۹۸۸ میلادی براساس «شاخص دهک‌ها» است. چنانچه تفاوت سهام دهک اول و سوم «۳ درصد، تفاوت سهام دهک پنجم و هفتم» $\frac{2}{5}$ درصد، تفاوت سهام «دهک نهم و پنجم» ۷ درصد و تفاوت سهام «دهک دهم و اول» ۲۱ درصد باشد، در این صورت، سهم «دهک اول»، «دهک پنجم»، «دهک نهم» و «دهک دهم» چند درصد است؟

(خارج از کشور ۹۰)

(۱) سه - هشت - پانزده - بیست و چهار

(۲) سه - هشت - چهارده و نیم - بیست و چهار و نیم

(۳) دو و نیم - هشت و نیم - پانزده - بیست و چهار

(۴) دو و نیم - هشت و نیم - چهارده و نیم - بیست و چهار و نیم

پاسخ گزینه (۱) ←

$$\%۳ = \text{سهم دهک اول} \Rightarrow \%۳ = \text{سهم دهک اول} - \%۶ \Rightarrow \%۳ = \text{سهم دهک اول} - \text{سهم دهک سوم}$$

$$\%۸ = \text{سهم دهک پنجم} \Rightarrow \%۲/۵ = \text{سهم دهک پنجم} - \%۱۰/۵ \Rightarrow \%۲/۵ = \text{سهم دهک پنجم} - \text{سهم دهک هفتم}$$

$$\%۱۵ = \text{سهم دهک نهم} \Rightarrow \%۷ = \%۸ - \text{سهم دهک نهم} \Rightarrow \%۷ = \text{سهم دهک پنجم} - \text{سهم دهک نهم}$$

$$\%۲۴ = \text{سهم دهک دهم} \Rightarrow \%۲۱ = \%۳ - \text{سهم دهک دهم} \Rightarrow \%۲۱ = \text{سهم دهک اول} - \text{سهم دهک دهم}$$

نمودار زیر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۰، ده درصد ثروتمندان، چهارده برابر ده درصد فقرا درآمد داشته اند. این رقم برای سال ۱۳۹۰ به ۱۲ برابر و در سال ۱۳۹۶، مجدداً به ۱۴ برابر رسیده است. آیا میتوانید وضعیت نابرابری در آمدی را با توجه به این نمودار، در سالهای مختلف تحلیل کنید؟ نقاط پررنگ در نمودار زیر نسبت سهم ده درصد ثروتمند را نسبت به ده درصد فقرا در هر سال نشان می دهد.



نسبت دهک آخر (ثروتمند) به دهک اول (فقیر)

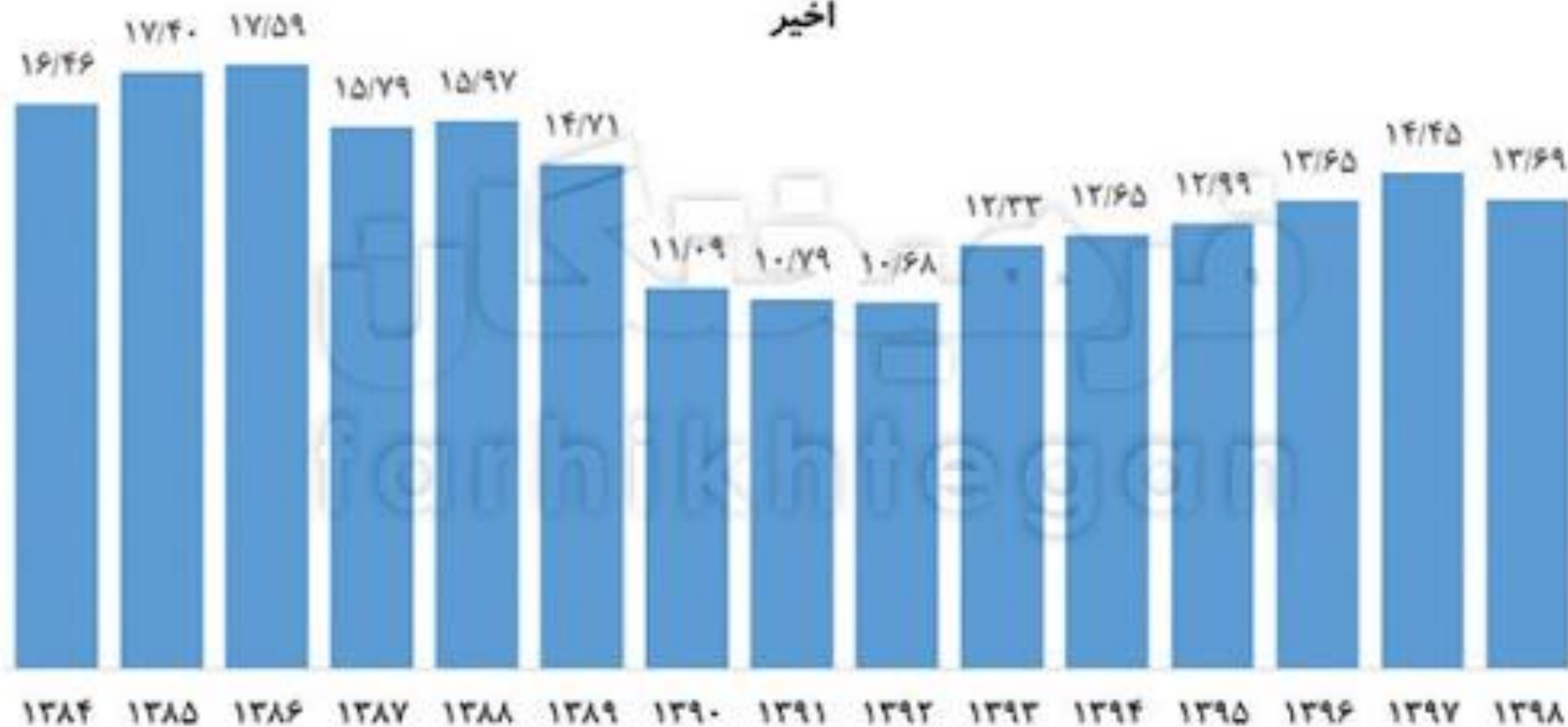
اقتصاد نیوز

سایت مرجع اقتصاد ایران

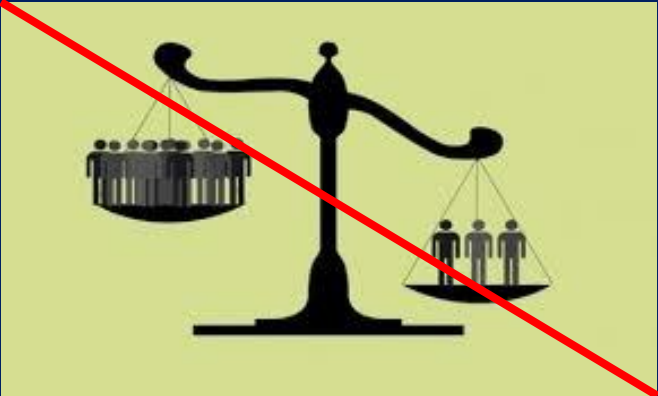


نسبت هزینه دهک دهم (ثروتمندترین) به دهک اول (فقرترین) جمعیت طی ۱۵ سال

اخیر

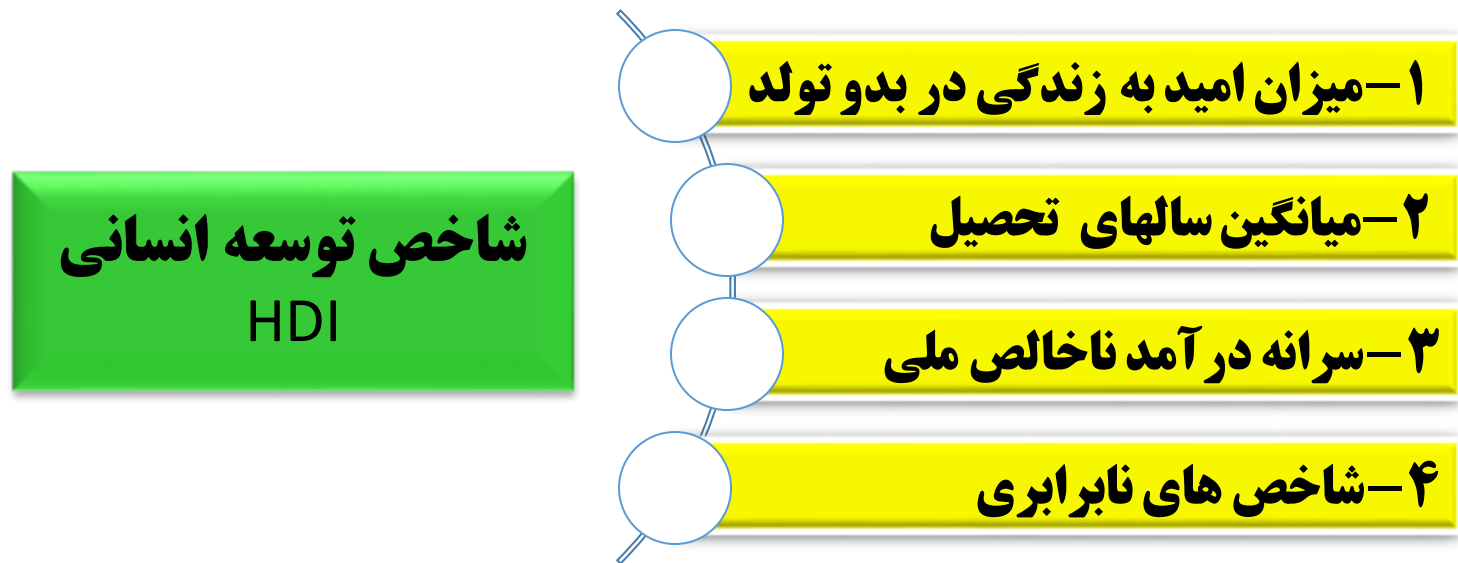


شاخص توسعه انسانی
HDI



شاخص توسعه انسانی (HDI)

یکی از شاخص های رایج جهانی برای اندازه گیری پیشرفت های اقتصادی کشورهای گوناگون، شاخص های توسعه انسانی HDI است. مولفه های زیر تشکیل دهنده **شاخص توسعه انسانی** است



علاوه بر این، مؤلفه هایی نظیر نرخ باروری، نابرابری های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص های فقر و پایداری محیطی (مثل انرژی های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده های محیط زیست و گازهای گلخانه ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی)، در گزارش های توسعه انسانی منعکس می شود.



شاخص توسعه
انسانی
HDI

تصویری بهتر از پیشرفت کشور

اگر معیارهای اندازه گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه گیری نابرابری در آمدی و نیز سایر شاخص ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص های مربوط به بهداشت، ترکیب کنیم، تصویر کاملتری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می آوریم.

شاخص توسعه انسانی HDI ترکیبی از این شاخص هاست و از این رو تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه میدهد.

نکته ۱- «توسعه» در کنار افزایش تولید بر تغییرات و تحولات کیفی دیگری نیز دلالت دارد و از اینرو آن را می توان مفهومی کمی - کیفی دانست؛ اما دستیابی به توسعه، علاوه بر رشد اقتصادی، مستلزم دستیابی به برخی شاخص های دیگر و بهبود وضعیت مردم در مواردی چون بهداشت و سلامت، امید به زندگی، برخورداری از امکانات آموزشی، مشارکت مؤثر در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی، سطح تحصیلات، دسترسی به آب سالم، کاهش نرخ مرگ و میر نوزادان، بهبود توزیع در آمد و کاهش فقر است.

نکته ۲- مفهوم توسعه شامل رشد نیز هست؛ اما هر رشدی را نمی توان توسعه دانست.



در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ و جزو کشورهای با توسعه یافتگی بالا به شمار می رود.

شاخص توسعه انسانی (HDI) امید به زندگی در بدو تولد سال های تحصیلی مورد انتظار میانگین سال های تحصیلی در آمد ناخالص ملی سرانه (GNI) رتبه HDI						
رتبه بندی HDI	ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP	رتبه HDI
رتبه بندی HDI	ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP	رتبه HDI
توسعه انسانی بسیار بالا						
۱	۰٫۹۵۴	۸۲٫۳	۱۸٫۱	۱۲٫۶	۶۸٫۰۵۹	۱
۲	۰٫۹۴۶	۸۳٫۶	۱۶٫۲	۱۳٫۴	۵۹٫۳۷۵	۲
۳	۰٫۹۴۲	۸۲٫۱	۱۸٫۸	۱۲٫۵	۵۵٫۶۶۰	۳
۴	۰٫۹۳۹	۸۱٫۲	۱۷٫۱	۱۴٫۱	۴۶٫۹۴۶	۴
۵	۰٫۹۳۹	۸۴٫۷	۱۶٫۵	۱۲٫۰	۶۰٫۲۲۱	۵
رتبه بندی HDI	ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP	رتبه HDI
رتبه بندی HDI	ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP	رتبه HDI
توسعه انسانی بالا						
۶۳	۰٫۷۹۹	۷۵٫۸	۱۴٫۸	۱۱٫۲	۱۵٫۲۱۸	۶۵
۶۳	۰٫۷۹۹	۷۴٫۴	۱۳٫۰	۱۱٫۰	۲۸٫۴۹۷	۶۳
۶۵	۰٫۷۹۷	۷۶٫۵	۱۴٫۷	۱۰٫۰	۱۸٫۱۶۶	۶۳
۶۶	۰٫۷۹۶	۷۴٫۹	۱۵٫۰	۰٫۹۴	۲۲٫۷۲۲	۶۶

بیشتر بدانیم: صفحه ۱۲۶

عدالت، رشد و پیشرفت متوازن

تا به حال از رشد سرطانی چیزی شنیده اید؟ سلول های سرطانی سلول هایی هستند که رشد و تکثیر آنها، غیرمتعادل است و از این رو توازن و تعادل بدن را درهم می ریزند. اگر جامعه را به بدن انسان تشبیه کنیم، سلامت اجتماعی در گرو پیشرفت هماهنگ و متوازن همه اجزای آن است. همانطور که اگر برخی از اجزای بدن، ناهماهنگ با کل بدن رشد کند، ترکیبی ناهنجار و کاریکاتوری از انسان به وجود می آید. رشد ناهماهنگ اجزای یک جامعه نیز، رشد آن جامعه را کاریکاتوری و غیرعادلانه خواهد ساخت. جامعه ای را تصور کنید که در آن امکانات و منابع آن، مثل خونی که در بدن در حال گردش است، صرفاً به افراد محدودی تعلق گیرد.

به این ترتیب توزیع ثروت در کل جامعه نامتعادل شود و افراد محدودی، بیشترین سهم از ثروت را نصیب خود خواهند ساخت. رشد ثروت در چنین جامعه ای که با اختلاف و شکاف طبقاتی روبه روست، ناعادلانه و کاریکاتوری است. در این جوامع که فیلسوفان و دانشمندان ما، از جمله فارابی، آن را **جامعه فاسقه** می نامند، سرمایه داران و سوداگرانی که فقط به فکر منافع شخصی خودشان هستند، حکومت می کنند و با ایجاد انواع انحصارات، فعالیت های غیرمولد و زدوبندهای نامشروع و زیاده-خواهی ها، نمی گذارند جامعه رشد و پیشرفت متوازن را تجربه کند. در نظام سرمایه داری جهانی، زیر عنوان آزادی اقتصادی، شاهد انواع بی عدالتی ها و اختلافات طبقاتی هستیم و این نشانه رشد سرطانی و نامتوازن است





پیشرفت

شاخص های فرهنگی واجتماعی الگوی پیشرفت اقتصادی

هر چند شاخص های توسعه انسانی در کنار شاخص های رشد تولید، تصویر مناسبتری از پیشرفت یک کشور ارائه می کند اما به علت در نظر نگرفتن موارد زیر تصویر کاملی از پیشرفت ارائه نمیدهد:

۱- شاخص های دیگری مانند مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط زیستی و پیشرفت های فرهنگی و معنوی

۲- تفاوت های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها هم در تعیین شاخص های پیشرفت دخالتی دارند اما شاخص توسعه انسانی آنها را در نظر نمیگیرد.

۳- ارزشهای اجتماعی - اقتصادی جوامع مختلف با هم یکسان نیست، این تنوع ارزشها و آداب و رسوم در شاخص های پیشرفت یک کشور باید در نظر گرفته شوند.

۴- عدالت اقتصادی و اجتماعی به یک اندازه برای جوامع مختلف (مثلا اسلام و جوامع سرمایه دار غربی) اهمیت ندارند.

۵- نگاه انسان ها به زندگی در جوامع مختلف متفاوت است.

رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور ماست، اما همه آن نیست.

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

برخی از کشورها و سازمان های بین المللی در طول سده های گذشته، از شاخص های توسعه و همچنین نهادهایی که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده اند، برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی استفاده کرده اند. در کشور ما هرچند تلاش هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است؛ اما متأسفانه همچنان نهادهای سرمایه داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده ای محدود و توزیع ناعادلانه آن فعالیت دارند. این نگرانی ها باعث شده است تا اندیشمندان کشورمان به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت باشند. الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم ما قرار دهد.

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت است برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد

شاخص های فرهنگی و اجتماعی الگوی پیشرفت اقتصادی



برای تمرین و تفکر - صفحه ۱۲۷

۱- فرض کنید کل اقتصاد کشور ما از دو شرکت تولیدی بزرگ تشکیل شده باشد. مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت اول برابر با یک میلیارد تومان و مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت دوم، برابر با ۵۰۰ میلیون تومان است. با توجه به این دو فرض به سؤالات زیر پاسخ دهید:

* تولید ناخالص داخلی اسمی کشور، برای سال جاری چقدر است؟

$$۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

* اگر سهم هر کدام از شرکتها در تولید ناخالص داخلی ثابت و مطابق با نسبت تولیدات آنها برای سال جاری باشد و نیز اگر اقتصاد کشور از سال قبل تا امسال ده درصد رشد داشته باشد، ارزش اسمی تولیدات هر دو شرکت را برای سال قبل، محاسبه کنید.
برای محاسبه فرمول رشد استفاده می کنیم

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times ۱۰۰$$

شرکت اول $\rightarrow \frac{10}{100} = \frac{1,000,000,000 - \text{GDP سال قبل}}{\text{GDP سال قبل}} \rightarrow \text{GDP سال قبل} = 909,090,909.0909$

شرکت دوم $\rightarrow \frac{10}{100} = \frac{500,000,000 - \text{GDP سال قبل}}{\text{GDP سال قبل}} \rightarrow \text{GDP سال قبل} = 45,454,545.454545$

۲- کدامیک از موارد زیر صرفاً نشان دهنده رشد اقتصادی است و کدامیک، نشان دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است؟

* افزایش درآمد هر یک از کارکنان و کارگران شرکتها ← رشد

* نزدیک شدن سهم دهک اول از کل درآمد کشور به سهم دهک دهم ← پیشرفت

* افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولید شده ← رشد

* افزایش میانگین سال‌های تحصیلی کارمندان شرکتها ← پیشرفت



* چه تفاوتی بین رشد و توسعه و پیشرفت وجود دارد و برای هر کدام چه شاخص هایی وجود دارد؟

رشد

صرفاً به معنای افزایش تولید است پس مفهومی کمی است.

شاخص های رشد

افزایش ظرفیت های تولیدی و افزایش در آمد

توسعه

در کنار افزایش تولید (مفهومی کمی)، تغییر و تحولات کیفی مؤلفه هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سالهای تحصیل، و شاخص های نابرابری را نیز در نظر می گیرد.

شاخص های توسعه

شاخص توسعه انسانی HDI

پیشرفت

اصطلاحی که بسیاری از نخبگان و اندیشمندان دنیا انتخاب کردند. در مفهوم پیشرفت الگوی واحدی برای همه کشورها توصیه

نمی شود.

شاخص های پیشرفت

موقعیت های گوناگون مثل وضعیت تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، طبیعی و انسانی و در نهایت زمانی و مکانی

شاخص های پیشرفت را تعیین می کنند.



*** از نظر شما چه رابطه ای میان پیشرفت اقتصادی یک کسب و کار و پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟**

پیشرفت اقتصادی یک کسب و کار به معنای تولید با کیفیت محصول و قیمت مناسب آن است که می تواند منجر به افزایش تقاضای مصرف-کنندگان شود که به دنبال آن اشتغال نیروی کار نیز افزایش می یابد، در نتیجه در آمد داخلی افزایش و سطح رفاه جامعه نیز بالا می رود. بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، عدالت اقتصادی و... منجر به پیشرفت اقتصادی خواهد شد.





با تشکر از توجه
و
همراهی شما